

مجلس خبرگان باید مطالبه‌گری کند

آمریکا در لبنان و عراق و سوریه هیچ غلطی نتوانست بکند



آمریکا در لبنان و عراق و سوریه هیچ غلطی نتوانست بکند
اعتدال: رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری در پایان سومین اجلاس هیئت پنجمین دوره ی این مجلس، پیش از ظهر روز (پنجشنبه 30 شهریور) با حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند. معظم له در این دیدار با اشاره به جایگاه بی نظیر و استثنائی این مجلس در نظام اسلامی، وظیفه‌ای مهم را از مجلس خبرگان درخواست کردند و گفتند: این مجلس باید با تشکیل یک هیئت اندیشه ورز که دارای نگاه کلان و راهبردی و عمیق باشد، به بررسی چگونگی حرکت انقلاب اسلامی در ۲۸ سال گذشته به سمت اهداف اصلی خود و پیشرفت‌ها، توقف‌ها و احیاناً پسرفت‌ها در این مسیر بپردازد و بر اساس جمع‌بندی خود از دستگاه‌های مختلف مطالبه‌گری کند.

* متن کامل بیانات ولی امر در این دیدار به این شرح است

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

والحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقیة الله في الارضين.
خیلی خوش آمدید برادران عزیز و آقایان محترم. یکی از جلسات مطلوب و شیرین ما در برهه‌های معین، دیدار با شما آقایان خبرگان است. تأثیری که در محیط اجتماعی خودتان دارید، تأثیری که این جلسه‌ی باشرافت و باعزت در مجموعه‌ی نظام دارد، همه نقاط مهمی است، و امیدواریم که آنچه فکر کرده‌اید، آنچه اندیشیده‌اید و گفته‌اید و خواسته‌اید و برای آن اقدام کرده‌اید، ان شاء الله مشمول لطف الهی و مدد الهی بشود و ان شاء الله به نتیجه برسد.
از فرمایشات جناب آقای جنتی و جناب آقای شاهرودی خیلی متشکریم، بیانات مفیدی را بیان کردند و در جریان فضای این جلسه در ایام اجلاس قرار گرفتیم؛ البته من قبلاً یک گزارشی هم در این زمینه دیده بودم. مسائل مهمی را آقایان بیان کردند که واقعاً قابل توجه است. از مرحوم آقای حاج شیخ علی اصغر معصومی (رحمة الله علیه) یاد کنیم؛ ایشان از دوستان قدیمی ما بود و چند دوره عضو مجلس خبرگان بودند. این دوره‌ی اخیر [هم] خود ایشان نخواستند که وارد بشوند، مریض و از کار افتاده [شده بودند]، و همین چند روز قبل به رحمت الهی رفتند، (۲) و امیدواریم ان شاء الله مشمول رحمت و لطف الهی باشند.

مناسبت محرم را آقایان - جناب آقای جنتی و جناب آقای شاهرودی - اشاره فرمودند؛ بسیار مناسبت مهمی است. محرم ماه امام حسین است، ماه حسینی است، ماه همه‌ی آن ارزشمندی است که در وجود سیدالشهدا (سلام الله علیه) متجلی و متبلور است؛ ماه شهادت، ماه جهاد، ماه اخلاص، ماه وفا، ماه گذشت، ماه اهتمام به حفظ دین، دین خدا و ایستادگی در مقابل قدرتهای معارض دین. وجود مبارک سیدالشهدا و قضایای عاشورا و محرم و مانند اینها، مظهر این چیزها است. و واقعاً این اعتقاد، درست است که اسلام را قیام سیدالشهدا حفظ کرده؛ همچنان که در طول زمان، در قرنهای متوالی، این حادثه روزبه روز زنده تر شده. امروز این مراسم از صد سال پیش که تدین مردم به حسب ظاهر، معارضینی مثل معارضین امروز هم نداشت، خیلی گرم تر، گیراتر، پُرشورتر و گسترده تر دارد انجام میگیرد؛ همه‌ی اینها معنا دارد، همه‌ی اینها نشان دهنده‌ی یک حقایقی و یک جریان‌ی است که به رهبری حسین بن علی (سلام الله علیه) دارد در دنیا پیش میرود؛ و ان شاء الله پیش خواهد رفت و کارگشا خواهد بود و گره‌های ملتها را باز خواهد کرد.
من سه مطلب را میخواهم عرض کنم؛ یک مطلب راجع به این مجلس محترم [یعنی] مجلس خبرگان است؛ یک مطلب هم یک حرف تقریباً مکرر گفته شده‌ی در مورد مسائل کشور است؛ یک مطلب هم در باب نگاه به اوضاع منطقه و جهان و نسبتش با ما و با جمهوری اسلامی.

* مجلس خبرگان باید مطالبه‌گری کند

در قضیه‌ی اول، این مجلس حقیقتاً یک مجلس استثنائی و بی نظیری است از لحاظ ترکیب، از لحاظ وظایف، از لحاظ کارکرد در این سالهای گذشته تا امروز؛ و به نظر بنده میتوان به این مجلس امید بست برای یک کار مهم دیگر در کنار این کارهایی که تاکنون انجام داده است و میدهد، و آن عبارت است از نگاه کلان و راهبردی به انقلاب و مسیر انقلاب. ما این را در دستگاه‌هایمان نداریم؛ دستگاهی برای این کار نداریم. البته جزو وظایف رهبری است و تا حدّ ممکن - حالا با نقصهایی که وجود دارد در این حقیر- تلاش شده که این کار انجام بگیرد، لکن دستگاهی برای این کار نداریم. قوای سه‌گانه مأمور اداره‌ی کشورند و کشور را باید اداره کنند؛ هرکدام در یک بخشی و به یک نحوی. البته اداره‌ی انقلابی باید بکنند، شکی نیست، اما نگاهشان به طور طبیعی به همین راهی است که دارند میروند، به همین مسیری که دارند میروند؛ و نگاه کلان و راهبردی به مجموعه‌ی انقلاب در طول این ۳۹ سال گذشته و در طول ده‌ها سال آینده قاعدتاً

نیست؛ یک مرکزی لازم است که این نگاه را داشته باشد.

حالا [این] یعنی چه؟ یک قدری بیشتر توضیح بدهم؛ یعنی در این مجموعه ی مجلس خبرگان میتوان یک هیئت اندیشه ورزی را تصوّر کرد - چون بحمدالله اشخاص صاحب اندیشه، صاحب فکر در این مجموعه ی هفتاد هشتاد نفری کم نیستند- که وظیفه ی این هیئت اندیشه ورز این باشد که یک نگاه کلانی بکند به مسیر انقلاب از اوّل تا امروز. خب، این انقلاب یک اهدافی داشته است، یک حرکتی شروع شده است به سمت اهداف؛ نگاه کنند تا ببینیم که به این اهداف چقدر نزدیک شده ایم، به کدامش نزدیک شده ایم، در مورد کدام هدف توقف داشته ایم، در مورد کدام هدف پس رفت داشته ایم - [چون] مواردی هم ممکن است این جوری باشد که فرض کنیم در اوایل انقلاب نسبت به این هدف، تحرّک و پیشرفتی وجود داشته، بعد نه اینکه توقف، بلکه پس رفت حاصل شده- اینها را بشناسیم. و اگر چنانچه در مواردی یک چنین چیزهایی را مشاهده کردیم، این مجلس مطالبات خودش را بر اساس آن تنظیم کند.

صحت از مطالبات شد که در بیانات آقایان و نطقهای آقایان [در اجلاس] هم بوده، آقایان هم که حالا اینجا افاده فرمودند و اشاره کردند، بنده هم قبلاً عرض کرده ام که مجلس خبرگان بایستی مطالباتی داشته باشد از دستگاه های مختلف؛ این مطالبات میتواند بر اساس این مطالعه تنظیم بشود. حالاً ما مثال بزیم مواردی که وجود دارد.

فرض کنید یکی از عناوین مهمّ این انقلاب، انقلاب «نه شرقی، نه غربی» بود؛ امروز شرق وجود ندارد، [ولی] غرب وجود دارد با کمال قوّت و قدرت.

«نه غربی» یعنی چه؟ یعنی ما مجذوب غرب نباشیم، تحت تأثیر غرب نباشیم، پذیرای فرهنگ غربی نباشیم، پالوده سازی (۳) کنیم کشور را و فرهنگ را از آمیختگی با فرهنگ منحنّ غرب؛ در زمینه ی سیاسی تحت تأثیر غرب نباشیم، ملحق به غرب نباشیم، مطیع و مُنقاد (۴) نسبت به غرب نباشیم. «نه غربی» یعنی این؛ [البته] معنای «نه شرقی» هم همین است، لکن امروز دیگر [بلوک] شرقی نیست. غرب، کجا است؟ آمریکا است، اروپا است؛ [خب] دولتهای اروپائی یک فرهنگی دارند، یک سیاستی دارند، یک نقشه ی راه طولانی و کلانی دارند؛ و ما به عنوان جمهوری اسلامی وظیفه داریم خودمان را از اینکه بیفتیم در مسیر مورد خواست غرب نجات بدهیم؛ این یک وظیفه است. آیا این وظیفه را تا حالا انجام داده ایم یا نه؟ چقدر انجام داده ایم؟ کجاها انجام داده ایم؟ اگر در مواردی انجام نگرفته است، مشکل کجا است؟ بر اساس شناخت آن مشکل، مطالبه برای این مجلس به وجود می آید. این مطالبه ممکن است از این حقیر باشد، ممکن است از دولت باشد، ممکن است از قوّه ی قضائیه باشد، ممکن است از سپاه باشد، ممکن است از مجلس [باشد]؛ یک مطالبه ای بر این اساس به وجود می آید. این یک مثال است.

یا مثلاً فرض بفرمائید در زمینه ی اقتصادی. خب یکی از ارکان اقتدار کشور، اقتدار اقتصادی است و در اقتدار اقتصادی، یکی از عناصر تشکیل دهنده ی عمده عبارت است از قدرت پول ملی؛

یکی از عناصر تشکیل دهنده ی عمده عبارت است از قدرت پول ملی؛ یعنی پول ملی بایستی قدرت خرید داشته باشد و برای شهروندان، برای دارندگان آن پول، ثروت ایجاد بکند. اگر چنانچه ما بر اساس سیاست های اجرائی غلط، تصمیم گیری های نادرست، بی مبالائی های گوناگون، به وضعی رسیدیم که پول ملی همین طور روزبه روز تنزّل کرد و پایین رفت، این عقب رفت است، این پس رفت است. باید این را مشخص کنیم و بر اساس این، مطالبه تنظیم کنیم، مطالبه تعریف کنیم. این مطالبه می تواند مثلاً از دولت باشد، می تواند از مجلس باشد؛ و هَلَمْ جَزْأً. (۵)

یا یکی از چیزهایی که از اوّل در انقلاب مطرح بوده است، مسئله ی عدالت است. عدالت یعنی کم کردن فاصله ی بین فقیر و غنی در کشور و مبارزه ی با فقر در کشور و تقسیم درست ثروت در کشور. این غیر از تفکرات مارکسیستی است؛ این غیر از تساوی و برابری ای است که سوسیالیست ها یا کمونیست ها بیان می کنند؛ این نظر اسلام است؛ منابع اسلامی و مدارک اسلامی همه تأیید و تأکید می کند بر این معنا. نه اینکه ما دست بگذاریم روی ثروت ثروتمندان و بخواهیم این ثروت را از این ها بگیریم؛ نه، بلکه بایستی کشور را جوری اداره بکنیم که فاصله ی بین فقیر و غنی کم بشود. خب، این مسئله ی بسیار مهمّی است و امروز در دنیا هم مطرح است؛ این «ضریب جینی» که در دنیا مطرح است و امروز جزو معیارها و شاخص های اقتصادی است، همین است؛ در واقع، به یک معنا فاصله ی بین فقیر و غنی است. ما باید نگاه کنیم ببینیم در این زمینه -از نظر اسلام- چقدر پیش رفته ایم، چقدر حرکت کرده ایم؛ چرا این جور شده. (۵) محاسبه کنیم این ها را.

یا فرض بفرمائید حفظ و حراست از انگیزه های انقلابی. شرط دوام حیات جمهوری اسلامی وجود انگیزه های انقلابی و وجود روحیه ی انقلابی است. اگر روحیه ی انقلابی نباشد، جمهوری اسلامی نخواهد بود؛ بله، یک حکومتی سر کار خواهد بود، امّا آن حکومت، دیگر جمهوری اسلامی نیست. این حرکت مردم، این خون هائی که دادند، این زحماتی که کشیدند برای احیاء اسلام، برای احیاء شریعت اسلامی، برای این بوده؛ این ها از بین خواهد رفت، لگدمال خواهد شد. بنابراین، انگیزه ی انقلابی برای حفظ جمهوری اسلامی حتماً لازم است. این انگیزه در چه وضعی است؛ آیا کم شده، آیا زیاد شده، آیا ادامه پیدا کرده، چه مقابله ها و مبارزه هائی با این انگیزه انجام می گیرد، راه مقابله ی با آن ها چیست؛ و بر اساس آن، مطالبه تنظیم کنیم. فرض بفرمائید بنده که در صحبت های مختلف مدام می گویم که به بچه های انقلابی و حزب الهی کمک کنید، معنایش همین است؛ یعنی این یک مطالبه است بر اساس نگاه به حرکت انقلابی کشور. البته در این زمینه خوشبختانه کشور عقب که نرفته هیچ، پیش هم رفته؛ این هم قابل اثبات و مسلم است [است].

یا فرض بفرمائید مسئله ی تدبیر مردم؛ خب ما می خواهیم مردم متدبیر بشوند. این حرف گاهی تکرار شده که «ما مردم

را نمی خواهیم یزور به بهشت ببریم؛» خب این به نظر ما یک تعبیر صحیحی نیست، تعبیر مغالطه آمیزی است. هیچ کس یزور کسی را به بهشت نمی خواهد ببرد اما بایستی ما راه بهشت را به روی مردم باز کنیم، مردم را تشویق کنیم. اصلاً پیغمبران برای این آمدند؛ آمدند که مردم را به بهشت ببرند، نگذارند مردم به جهنم بروند؛ اصلاً تمام ارسال رسل و انزال کتب و این همه زحمت و مجاهدت برای این بوده که نگذارند مردم دچار جهنم بشوند. این وظیفه ی ما است، باید این کار را انجام بدهیم، مردم باید متدین بشوند؛ در این شکی نیست. البته از طریق درست و به شکل درست. این هم که حالا کسی بگوید «در اسلام در این زمینه زور وجود ندارد» حرف درستی نیست؛ [پس] این حدود شرعی چیست؟ این «فاجلِدُوا... مِائَةَ جَلْدَةٍ» (۶) یا «فاجلِدوهم ثمانینَ جلدَةً» (۷) پس چیست؟ این ها همان زور است. پس بنابراین این ها مطالعات راهبردی است؛ یعنی وقتی هیئت اندیشه ورز شما نشست و یک نگاهی کرد به مسیر انقلاب، به این مجموعه در طول این ۳۹ سال، هر یک از این موارد - ده مورد دیگر یا پانزده مورد مهم دیگر را که می شود شمرد- در نظر گرفت و دید که ما در این قسمت مثلاً پیشرفت داشتیم، خب این پیشرفت مایه ی تشویق است؛ یک کارهایی باید کرد که این پیشرفت را ادامه بدهیم و حفظ بشود، چون مسلماً این پیشرفت معارضین و مخالفینی دارد؛ یا یک جاهائی متوقف ماندیم، یک جاهائی عقب رفت داشتیم؛ ببینیم در مقابل این ها بایستی چه کار کرد. این، مطالبه ایجاد می کند؛ یعنی مطالباتی که لازم است، خیلی فراتر از مطالبات جزئی و اجرائی است که مثلاً فلان استان یا فلان شهر چه مشکلی دارد. آن ها هم البته مشکلات است و نمی خواهیم آن ها را نفی کنیم، منتها شأن مجلس خبرگان شأن رسیدگی به آن جور مسائل است. این به نظر من یکی از کارهای اساسی و مهمی است که این مجلس می تواند انجام بدهد.

* مشکلات کشور جز به دست خود مردم حل شدنی نیست

آن مطلب دوم که عرض کردم راجع به مسئله ی مشکلات کشور است، و حرف مکررگفته شده و بارهاگفته شده را می خواهیم باز یک بار دیگر بیان کنیم، خلاصه اش این است که می خواهیم بگوئیم مسئولین کشور بدانند و آحاد مردم بدانند که حل مشکلات کشور جز به دست خود آحاد این کشور عملی نیست و شدنی نیست؛ چه مشکلات اقتصادی، چه مشکلات فرهنگی؛ همه نوع مشکلات را خود این ملت هستند که [می توانند حل کنند].

من یک جمله ای را نسبت به آن بحث قبلی عرض بکنم که نسبت به این قضیه هم آن جمله صادق است و آن این است که وقتی شما در مورد یک عنوانی از این عناوین مهم اساسی انقلاب به یک نتیجه ای رسیدید، این را باید تبدیل بکنید به گفتمان؛ [مثلاً] در نشریه منتشر بکنید. شما جمعیت زیادی هستید؛ عده ی کثیری از آقایان، ائمه ی جمعه هستند یا شخصیت های برجسته ی استانها هستند یا در مرکز هستند، دارای منبر هستند، می توانند با مردم حرف بزنند و مخاطب قرار بدهند مردم را؛ تکرار بکنید، بگوئید، تا گفتمان بشود. گفتمان یعنی آن فکر رایج بین مردم، مطالبه ی عمومی مردم. وقتی یک چیزی مطالبه ی عمومی شد و گفتمان شد، به طور طبیعی به عمل نزدیک خواهد شد. این قضیه هم همین طور [است]؛ این مسئله ی پرداختن به دست های داخلی برای حل مشکلات کشور باید جزو واضحان و بینات فکری مردم بشود. باید این قدر این گفته بشود، استدلال بشود، تبیین بشود، تکرار بشود که به صورت یک گفتمان قطعی دربیاید.

ما جوان های پُرانگیزه ای داریم، افراد متخصصی داریم، تولیدکنندگان خوبی داریم، کارآفرینان خوبی داریم، کارگران خوب و کشاورزان خوبی داریم، معلمان خوبی داریم، استادان خوبی داریم. کارها به دست افرادی از این قبیل بایستی اصلاح بشود؛ این ها هستند که بایستی مشکلات کشور را برطرف بکنند؛ مشکل اقتصادی را هم این ها باید برطرف کنند و مشکلات گوناگون کاری را، از بیگانه ها کاری برنمی آید.

من نمی گویم با دنیا قطع رابطه کنید، این اصلاً نظر بنده نیست. از اول انقلاب، بنده جزو آن آدم هائی بودم که اصرار داشتم بر ارتباط -ارتباط با اطراف دنیا- الان هم همان عقیده را دارم، لکن بحث من این است که ما پای قدرتمند و طبیعی خودمان را با عصای بیگانه عوض نکنیم. اینکه به جای اینکه روی پای خودمان بایستیم و به پای خودمان تکیه کنیم، به عصای بیگانه تکیه کنیم، خطا است. [البته مذاکره] در ارتباطات جهانی عیبی ندارد؛ اشکالی که من نسبت به مذاکرات هسته ای داشتم و دارم و مکرر با خود مسئولین در جلسات خصوصی در خلوت و جلوت مطرح کردم، همین است؛ من می گویم اشکالی نداشت ما مذاکره کنیم، مذاکره اشکالی نداشت منتها در این مذاکره بایستی دقت و مراقبت لازم انجام می گرفت تا این جور نباشد که طرف مقابل، هر غلطی خواست بکند، نقض برجام محسوب نشود [اما] ما اگر یک مختصر تکانی بخوریم، نقض برجام محسوب بشود! این خطا است، این نباید اتفاق می افتاد؛ این به خاطر عدم اکتفاء و اعتنای به قدرت داخلی به وجود می آید، [به خاطر] اکتفاء به طرف مقابل و عنصر خارجی، این حالت به وجود می آید.

این را عرض می کنیم که به بیگانه نباید چشم دوخت، با دنیا باید کار بکنیم، حرفی نداریم، کار کردن با دنیا فحراً الزاماتی دارد، آن الزامات را هم قبول می کنیم و به دوش می گیریم، منتها تکیه ی به خارج نمی کنیم؛ چون دشمن ما در بیرون محیط جامعه و کشور ما زیاد است، یک جبهه ی دشمن در مقابل ما است. خب الحمدلله تا امروز ما به این جبهه ضربه زده ایم، [آن را] شکست داده ایم، عقب رانده ایم، بعد از این هم همین خواهد بود، لکن بدانیم که در مقابل ما یک نقطه ی دشمنی نیست، یک جبهه ی وسیع دشمنی است.

و اما مسئله‌ی وضع جهان و منطقه که دنبال همین کلمه‌ی اخیری است که عرض کردم. من باید به طور خلاصه عرض بکنم ما بحمدالله در مسائل جهانی در حال پیشرفتیم. نه فقط عقب رفت نداریم بلکه توقف هم نداریم، در حال پیشرفتیم. جمهوری اسلامی ایران بعکس آنچه بعضی می‌خواهند وانمود کنند که «آبروی ما در دنیا رفت، ما در دنیا کوچک شدیم»، نخیر، جمهوری اسلامی به فضل الهی، به حول و قوه‌ی الهی، به عزت الهی، عزیز است، و تا امروز روز به روز عزیزتر شده و اقتدارش بیشتر شده؛ همین است که دشمنان را هم عصبانی می‌کند.

* سخنرانی ترامپ از عصبانیت، درماندگی و سبک مغزی حکایت دارد

شما شنیدید نطق ابلهانه‌ی این رئیس‌جمهور آمریکا (۸) را در سازمان ملل -لابد مستقیم یا غیر مستقیم این حرفها را شنیده‌اید- از ادبیات بسیار زشت و سخیفی استفاده کرد؛ ادبیات گانگستری، ادبیات کابوئی و تهدیدهای بی‌معنی و غلط و تحلیل‌های صددرد غلط تر؛ یک نطق پُر از خلاف، پُر از دروغ! شاید بیست دروغ واضح در این سخنرانی وجود داشت؛ یک صحبت آشفته، که نشان دهنده‌ی این است که هم عصبانی‌اند، هم درمانده‌اند، هم از لحاظ فکری دچار مشکل و عقب ماندگی هستند، دچار سبک مغزی‌اند. یعنی هر سه چیز را این نطق نشان داد؛ هم عصبانیت را نشان داد، هم درماندگی را نشان داد - که نمی‌دانند باید چه کار بکنند در مقابل این واقعیت که وجود دارد- هم سبک مغزی را نشان داد. حرف‌هایی که زده شد، افتخارآمیز نبود برای یک ملت‌ی مثل ملت آمریکا. به نظر بنده نخبگان آمریکائی باید احساس شرم کنند -و می‌کنند- از داشتن یک چنین رئیس‌جمهوری و گفتن یک چنین حرفهایی. حالا من کاری ندارم به اینکه او چه گفته و چه جوری گفته؛ آنچه من می‌خواهم بگویم این است که چرا عصبانی‌اند. بحث پیشرفت ما است دیگر؛ این مسئله‌ی عصبانیت مسئله‌ی مهمی است. در این سخنرانی بیش از همه چیز، آنچه واضح بود، عصبانیت بود. چرا عصبانی‌اند؟

عصبانیت به خاطر این است که آمریکا یک نقشه‌ای برای این منطقه‌ی غرب آسیا که خودشان به آن می‌گویند خاورمیانه، داشته‌اند از پانزده شانزده سال قبل -شاید هم قبل [تر]؛ ممکن است نقشه‌ی مال قبل بوده، بروز و ظهورش از حدود پانزده شانزده سال قبل است- که بر اساس آن یک مدتی اسم «خاورمیانه‌ی جدید» را آوردند، یک مدتی اسم «خاورمیانه‌ی بزرگ» را آوردند؛ یک نقشه‌ای برای اینجا داشتند. محور اصلی این نقشه و قلب این نقشه عبارت بود از سوریه، لبنان، عراق؛ این سه کشور، سه محور و سه مرکزی بودند که این نقشه باید عمدتاً آنجاها پیاده بشود؛ چه جوری پیاده بشود؟ دولت‌هایی در این سه کشور بر سر کار بیایند که تسلیم مطلق و نوکر آمریکا باشند، هرچه آمریکا می‌خواهد اطاعت کنند و برای او عمل بکنند. نتیجه‌ی چه خواهد شد؟ نتیجه این است که تمام این منطقه می‌شود پانداژ رژیم صهیونیستی و در این منطقه همان از نیل تا فراتی که آن‌ها گفته بودند به یک شکلی تأمین خواهد شد، ولو نه به شکل سیاست‌ظاهری، به شکل سلطه و نفوذ و تسلط معنوی و واقعی. این را می‌خواستند انجام بدهند. این‌ها می‌خواستند کاری بکنند که عراق، [این] کشور تاریخی با عظمت، با این همه افتخارات، تحت تسلط صهیونیست‌ها و آمریکائی‌ها قرار بگیرد؛ سوریه مرکز به این مهمی، کانون مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی، در واقع در اختیار رژیم صهیونیستی قرار بگیرد؛ لبنان هم که تکلیفش معلوم است. این‌ها این را می‌خواستند و این کار را می‌خواستند انجام بدهند.

* آمریکا در لبنان و عراق و سوریه هیچ غلطی نتوانستند بکنند

حالا شما نگاه کنید به واقعیت، ببینید واقعیت با آنچه این‌ها می‌خواستند چقدر فاصله دارد! لبنان را نگاه کنید، نتوانستند هیچ غلطی بکنند؛ عراق را ملاحظه کنید، درست عکس آنچه آن‌ها خواستند انجام گرفت؛ سوریه را ملاحظه کنید! البته در سوریه آمریکا و متحدینش جنایت‌های زیادی کردند، دست این‌ها تا مرقق (۹) به خون مردم سوریه آلوده است؛ در این شکی نیست؛ داعش را راه انداختند، همین تکفیری‌ها - جبهة‌النصرة و امثال این‌ها- را راه انداختند و مردم را به یک معنا قتل عام کردند، این کار را کردند لکن نتوانستند پیش ببرند. امروز شما نگاه کنید مسئله‌ی داعش، موضوع داعش در واقع دارد به پایان می‌رسد، تکفیری‌ها به طور کامل منزوی هستند، وضعی که آن‌ها می‌خواستند از بین برود تا به جای آن یک وضع دیگری به وجود بیاورند، استقرار بیشتری پیدا کرده، و درست نقطه‌ی مقابل آنچه آمریکا می‌خواستند تحقق پیدا کرده. وقتی آمریکائی‌ها نگاه می‌کنند، ایران را در این زمینه موثر و مقصر می‌دانند لذا عصبانی‌اند. خوب به قول مرحوم آقای بهشتی «عصبانی باش و از این عصبانیت بمیر!» خوب حالا عصبانی باشند. مسئله این است، دعوا این است. اشتباه نباید کرد که کسی خیال کند که حالا مثلاً فرض کنید یک قدرت چنین وچنان در مقابل ایران قرار گرفته؛ نخیر، آن عکس‌العملی که آن‌ها دارند نشان می‌دهند، نشانه‌ی ضعف است، نشانه‌ی عقب ماندگی آن‌ها است، و نشانه‌ی عصبانیت ناشی از شکست خوردگی آن‌ها است. بینی‌شان به خاک مالیده شده؛ لذا عصبانی‌اند، این حرف‌ها را می‌زنند، این نطق‌های سخیف را می‌کنند و این کارها را انجام می‌دهند.

بنابراین آنچه من می‌خواهم عرض بکنم، این است که در امر کیفیت حضور جمهوری اسلامی در دنیای امروز، بحمدالله جمهوری اسلامی موفقیت داشته، «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ؛ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (۱۰) الحمدلله جمهوری اسلامی مؤمن، مشمول این آیه‌ی شریفه شده و این عزت را دارد؛ خدا را شکر می‌کنیم؛ این را باید نگه داریم. با عقل، با تدبیر، با فکر درست، با نقشه‌ی درست، با اشتباه نکردن در نوع مراودات، نوع تصمیم‌گیری‌ها، نوع حرف زدن‌ها، باید این عزت را حفظ کنیم و

ان شاءالله بیشتر کنیم.

* اشتیاق جوانان ما برای مجاهدت، معجزه است

و این عزّت به خاطر مجاهدت به وجود آمده. آنکه عرض کردم که انگیزه ی مجاهدت، امروز بهتر از گذشته است، یک نمونه اش همین است. حالا شما شهید عزیز محسن خُجّجی(۱۱) را ملاحظه کنید، خب این یک نمونه است، از قبیل محسن خُجّجی، ما جوان کم نداریم. این نمونه را خدای متعال به دلالتی برجسته کرد و نشان داد تا در مقابل چشم همه قرار بگیرد و همه ببینند و تسلیم این حقیقت شریف و عزیز بشوند که این انگیزه ی انقلابی روزبه روز در جوان ها به فضل الهی و به توفیق الهی دارد افزایش پیدا می کند. کسانی نامه می نویسند به ما و التماس می کنند، واقعاً التماس می کنند که اجازه بدهید [برویم] -حالا آن ها که دستشان می رسد که یک تلفنی اینجا بکنند و نامه ای بنویسند؛ و چند برابر آن ها لاید کسانی که این امکان را هم ندارند- التماس می کنند ما را بفرستید آنجا که مثلاً برویم مبارزه بکنیم با دشمن، مجاهدت کنیم با دشمن؛ این همان انگیزه های جوان های ما است. و این معجزه است، به خاطر عواملی که در مقابل این وجود دارد؛ یکی همین فضای مجازی که جناب آقای جنتی فرمودند، که البتّه فرمایش ایشان و هشدار ایشان درست است، ما هم دنبال قضیه به طور جدّی هستیم، لکن با وجود این فضای مجازی، با وجود این توطئه ها، با وجود این وسوسه ها، شما می بینید که این جور جوان هائی را و این جور انگیزه هائی را جمهوری اسلامی به خودش مشاهده می کند؛ این لطف الهی است.

امیدواریم خدای متعال این لطف را برای این کشور، برای این ملت، مستمر و مستدام بدارد، و کسانی که این وضعیّت را برای کشور به وجود آوردند، امام بزرگوار را، شهدای عزیز را و مجاهدان راه حق را مشمول لطف و رحمت خودش کند.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته

* پی نوشت

۱) در ابتدای این دیدار -که در پایان سوّمین اجلاسِ ی پنجمین دوره ی مجلس خبرگان رهبری برگزار شد- آیت الله احمد جنتی (رئیس مجلس خبرگان رهبری) و آیت الله سیّد محمود هاشمی شاهرودی (نایب رئیس مجلس خبرگان رهبری) گزارشی ارائه کردند.

۲) آیت الله علی اصغر معصومی (نماینده ی چهار دوره ی مجلس خبرگان رهبری و مسئول نهاد نمایندگی ولیّ فقیه در دانشگاه آزاد اسلامی خراسان رضوی) در تاریخ ۲۷/۶/۹۶ در مشهد مقدّس از دنیا رفت.

۳) خالص سازی

۴) فرمان بردار

۵) به همین ترتیب، به همین نحو

۶) سوره ی نور، بخشی از آیه ی ۲؛ «... صد تازیانه بزنید ...»

۷) سوره ی نور، بخشی از آیه ی ۴؛ «... هشتاد تازیانه به آنان بزنید ...»

۸) دونالد ترامپ

۹) آرنج

۱۰) سوره ی منافقون، بخشی از آیه ی ۸؛ «... عزّت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است ...»

۱۱) شهید محسن خُجّجی از نیروهای مدافع حرم بود که در مردادماه ۱۳۹۶ در منطقه ای مرزی بین سوریه و عراق توسط نیروهای داعش به اسارت درآمد و پس از دو روز به دست آن ها به شهادت رسید.